



تلاش برای فرار از شکست‌های سریالی با «نیزه جنوبی»



سرمقاله

جهانی نشان‌دهنده شکست‌های سریالی است. ترامپ باوجود وعده‌های فراوان نتوانسته است پرونده اوکراین را حل و فصل کند، در مسئله چین و تایوان و جنگ تعرفه‌ای در برابر چین مجبور به نرمش شد، در حمله مشترک آمریکا و اسرائیل به ایران در نهایت به دنبال خسارت سنگین موشک‌های ایرانی به سرزمین‌های اشغالی به سرعت آتش بس را اعلام کرد، با وجود سروصدای زیاد درمورد طرح صلح برای غزه اما این طرح در همان مراحل اولیه با چالش‌های بسیار زیادی مواجه شده است و اکنون نیز برای جبران شکست‌ها به دنبال فشار نظامی و تبلیغاتی بر ونزوئلا به بهانه مواد مخدر است. تا زمانی که قلدری و جنگ‌طلبی چراغ راهنمای سیاست خارجی ترامپ و آمریکا باشد نتیجه چیزی جز شکست و ناکامی‌های سریالی نخواهد بود. ■

ایران عملاً به تهدیدی استراتژیک برای واشنگتن تبدیل شده است. از همین رو، عملیات «نیزه جنوبی» نه صرفاً اقدام علیه یک دولت منطقه‌ای، بلکه بخشی از راهبرد وسیع‌تر مهار نفوذ رقبای آمریکا در نیمکره غربی است. بااین حال نشانه‌ها حاکی از آن است که این رویکرد نتیجه معکوس داشته است، واکنش انتقادی برزیل، مکزیک، کلمبیا و چند کشور دیگر نشان می‌دهد که اجماع سابق در آمریکای لاتین علیه کاراکاس فروپاشیده و جای خود را به نوعی حساسیت نسبت به سیاست‌های مداخله‌جویانه واشنگتن داده است. حق رسانه‌های آمریکایی نیز به انتقاد شدید از استفاده بی‌رویه ترامپ از زور در سیاست خارجی پرداخته‌اند. ترامپ با شکست در هر پرونده بین‌المللی به دنبال جبران در پرونده‌ای دیگر است اما روند و سیر تحولات

غرب آسیا تا شرق آسیا یا بن بست یا عقب‌نشینی مواجه شده است. در چنین شرایطی، آمریکای لاتین به میدان ظاهرآ مناسبی برای نمایش قدرت تبدیل شده است؛ منطقه‌ای که واشنگتن هنوز آن را حیطة نفوذ سنتی و بخشی از نظم مطلوب خود می‌داند. عملیات «نیزه جنوبی» در این چارچوب، نه یک ابتکار امنیتی، بلکه تلاش برای ترمیم وجهه رهبری آمریکا پس از سلسله‌ای از ناکامی‌ها تلقی می‌شود. اما مسئله دقیقاً در همین جاست، اتکای بیش ازحد به تهدید، تحریم و زور، روند فرسایش مشروعیت و اعتبار آمریکا را تشدید کرده است.

تهدیدهای آشکار علیه ونزوئلا را باید در پیوند با منازعه بزرگ‌تر میان قدرت‌های جهانی فهم کرد. از نگاه آمریکا، ونزوئلا طی دودهمه اخیر با نزدیکی به روسیه، چین و

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در دور دوم ریاست جمهوری خود همان مثنی دائمی و کلان آمریکا یعنی قلدری و پیشبرد منافع از طریق زور را دنبال می‌کند اما اینک او این سیاست را به‌شکلی عریان و بدون لاف‌به بیان می‌کند. نتیجه‌ی این سیاست در حدود یک سال اخیر نه تنها دستاوردی متوجه آمریکا نکرده بلکه با تلافی از شکست‌های مختلف را موجب شده است. بهانه قاچاق مواد مخدر و حمله به ونزوئلا نیز عرصه جدید آمریکا برای استفاده عریان از زور است. در این راستا وزیر جنگ آمریکا به صورت رسمی از آغاز عملیات «نیزه جنوبی» با هدف مقابله با شبکه‌های مواد مخدر در نیمکره غربی خبر داد.

ترامپ در نخستین سال بازگشت خود به قدرت، تقریباً در همه پرونده‌های کلیدی سیاست خارجی از اروپا و

ﷲ اکبر؛ این صدای ملت ایران است. ما مطمئن هستیم که پیروز این میدانیم. شکست برای ملت امام حسین معنایی ندارد. با توکل و ایمان به خدا و سپس امید فراوان به نیروهای توانمند سپاه و ارتش آماده‌ایم برای نبرد با رژیم خبیث و منحوس صهیونیستی اسرائیل و آمریکا

السلام
 این سرخس‌ها بزرگ‌است

درس و عبرت تاریخ شکست تاریخی آمریکای کارتر

در حالی که بحران لانه جاسوسی در سال ۵۸ هر روز ابعاد تازه‌ای برای دولت آمریکا می‌یافت، در واشنگتن فضای اضطراب حاکم بود. «سایروس ونس»، وزیر خارجه وقت آمریکا، در خاطرات خود از درماندگی سیاستمداران آمریکایی یاد می‌کند: «این را می‌دانستیم که تنها قدرتی که می‌تواند گروگان‌های ما را از بند برهاند، خود آیت‌الله خمینی است. به همین جهت، روز پنجم نوامبر به پرزیدنت کارتر توصیه کردیم که نماینده ویژه‌ای نزد آیت‌الله خمینی بفرستد. با جلب موافقت کارتر، رمزی کلارک و ویلیام میلر، روز ششم نوامبر با یک هواپیمای نظامی آمریکا عازم تهران شدند. مأموریت کلارک و میلر، آخرین شانس ما برای حل سریع مسئله گروگان‌ها بود.» رمزی کلارک و ویلیام میلر، دو نماینده اعزامی کارتر، پس از آنکه خبرنگار شبکه آمریکایی CBS خبر سفر محرمانه‌شان را افشا کرد، ناچار شدند در استانبول توقف کنند و منتظر پاسخ ایران بمانند. با پیام صریح امام مبنی بر رد هرگونه مذاکره فوری با آمریکایی‌ها و تعیین پیش‌شرط‌های مشخص از جمله تحویل شاه و پایان جاسوسی علیه ملت ایران، امیدهایشان برای دیدار با امام به‌کلی از بین رفت. فرستادگان کارتر پس از چند روز اقامت بی‌ثمر در ترکیه، بی‌آنکه موفق به ملاقات یا مذاکره‌ای شوند، ناامیدانه به واشنگتن بازگشتند.



بنی آدم اعضای یکدیگرند یک ایران، همدل است

برگزاری مسابقات قهرمانی کاراته کارگران کشور در همدان، گرامیداشت شهدای جنگ ۱۲روزه



فرزند ایران نمک شیرین زخم

نوزده ساله بود و مثل همه جوانها پرشور و البته بسیار دغدغه‌مند. مادرش می‌گفت: ذهن احسان مدام درگیر مسائل فرهنگی و مقاومت بود. تابستان، که برای کمک به پدرش در چایخانه مشغول شد، برای کارکنان، مسابقه‌ای برای حفظ سوره واقعه ترتیب داد و با موافقت پدر، هدایایی نیز تعیین نمود. هدایایی که پس از شهادتش به دست برندگان رسید. همکلاسی‌ها، تازه پس از رفتنش فهمیدند که او خادم امام رضا (ع) نیز بوده است. یکی از خادمان تعریف می‌کرد که هنگام خدمت در چایخانه، پای احسان سوخت و خادمی ناخواسته، به جای آب سرد، دوباره آب جوش ریخت؛ اما او صبورانه فقط لبخند زد. به توصیه همکاران، روی زخمش نمک ریختند و به شوخی گفتند: «با اتفاقات امروز، دیگر این جاها پیدایت نمی‌شود»، اما احسان، قوی و محکم می‌گوید: «اگر صد بار هم بسوزم، باز هم می‌آیم.» آن شب (سی و یکم خرداد ۱۴۰۴)، او به همراه خانواده از مسجد جمکران بازگشته بود. حوالی ساعت سه با مادام بود که ساختمان چهار طبقه محل زندگی‌شان در قم، با هدف شهادت سردار ایزدی، مورد حمله پهپادهای اسرائیل قرار گرفت و مأموریت جدید شهید احسان قاسمی با همراهی حاج رمضان شروع شد؛ مأموریت شفاعت.

محمدته پارسى